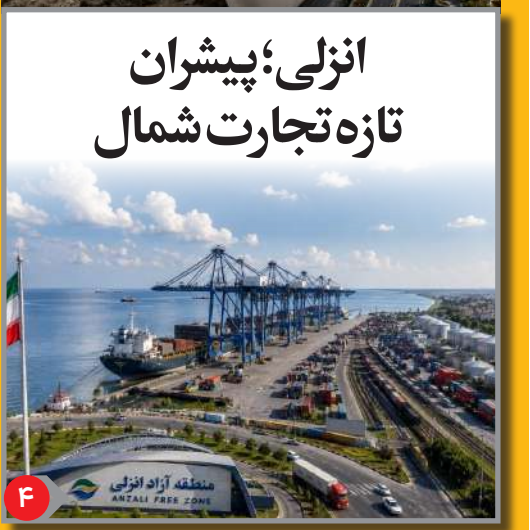
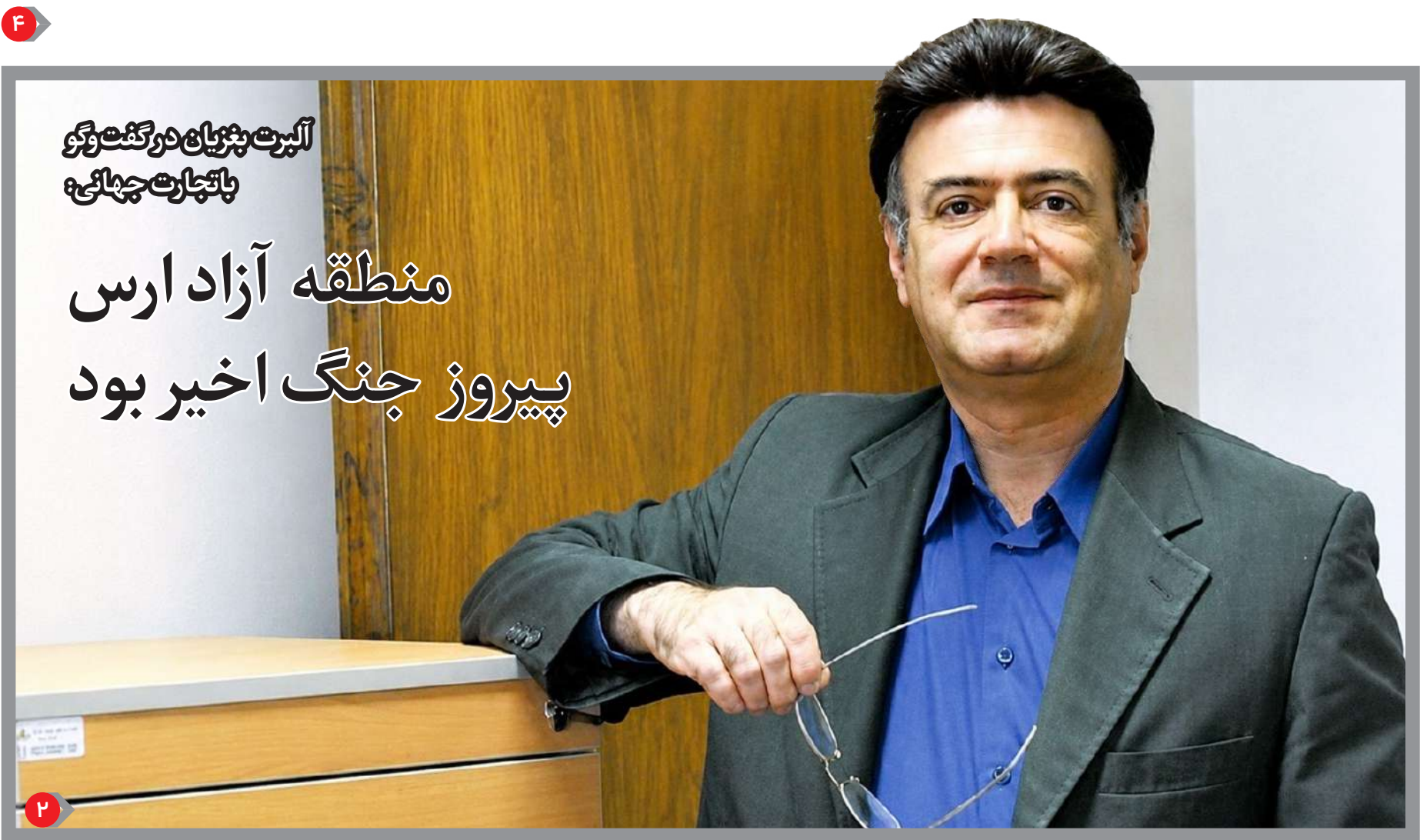




تجارت جهانی بررسی می‌کند

ضرورت ایجاد معاونت ریاست جمهوری در امور مناطق آزاد



آلبرت پیرایه در گفت‌وگو با تجارت جهانی

منطقه آزاد ارس پیروز جنگ اخیر بود

بین الملل

شنزن؛ شکوهی گرفتار چالش‌ها

تجارت جهانی رشد تجارت خارجی، توسعه زیرساخت‌های هوشمند و رونق صنایع پیشرفته، همچنان شنزن را در صدر شهرهای اقتصادی چین نگه داشته است؛ اما پشت این آمارهای امیدوارکننده، نشانه‌هایی از وابستگی بیش از حد به سرمایه‌گذاری دولتی، فشار بر بخش خصوصی و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی نیز دیده می‌شود.

شنزن در هفته‌های اخیر بار دیگر با انتشار آمارهای جدید از عملکرد اقتصادی خود، توجه تحلیلگران را به عنوان یکی از مهم‌ترین موتورهای اقتصاد چین جلب کرده است. بر اساس داده‌های رسمی، تجارت خارجی این شهر در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ به بالاترین سطح تاریخی خود رسیده و بنادر، فرودگاه و صنایع فناوری همچنان با ظرفیت بالا در حال فعالیت هستند. همچنین نمایشگاه‌های تخصصی حوزه الکترونیک قدرت، هوش مصنوعی و تولید پیشرفته نیز جایگاه این شهر را در زنجیره جهانی فناوری تقویت کرده‌اند.

با این حال، پرسش اصلی آن است که آیا این رشد، پایدار و متوازن است یا بیش از گذشته به سیاست‌های حمایتی دولت و سرمایه‌گذاری‌های سنگین وابسته شده است؟ تجربه اقتصاد چین در سال‌های اخیر نشان داده که رشد سریع زیرساختی، لزوماً به معنای افزایش بهره‌وری پایدار نیست و در برخی موارد حتی می‌تواند به افزایش بدهی و کاهش بازده اقتصادی منجر شود.

شنزن امروز نماد اقتصاد دیجیتال چین محسوب می‌شود. حضور شرکت‌های بزرگ فناوری، توسعه هوش مصنوعی، خودروهای برقی و تجهیزات الکترونیکی باعث شده این شهر همچنان مقصد اصلی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی باشد. اما همزمان، رقابت فزاینده میان چین و غرب، محدودیت‌های صادرات فناوری‌های پیشرفته و کنترل‌های تجاری آمریکا، فضای فعالیت بسیاری از شرکت‌های مستقر در این شهر را با عدم قطعیت روبه‌رو کرده است.

در بخش حمل و نقل نیز اگرچه بنادر شنزن رکوردهای جدیدی در جابه‌جایی کانتینر ثبت کرده‌اند و پروژه‌های هوشمندسازی سرعت عملیات را افزایش داده است، اما وابستگی بالای اقتصاد شهر به تجارت خارجی، آن را نسبت به هرگونه اختلال در زنجیره تأمین جهانی یا کاهش تقاضای بین‌المللی آسیب‌پذیر می‌کند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که کوچک‌ترین تنش ژئوپلیتیکی می‌تواند مستقیماً بر عملکرد این قطب صادراتی اثر بگذارد.

از سوی دیگر، توسعه پرشتاب صنایع هوش مصنوعی، مراکز داده و انرژی‌های نو، نیاز روزافزونی به برق، سرمایه و مواد اولیه ایجاد کرده است. اگرچه دولت چین این حوزه‌ها را اولویت راهبردی خود می‌داند، اما افزایش هزینه‌های تولید و رقابت شدید میان شرکت‌ها، سودآوری بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط را تحت فشار قرار داده است.

یادداشت روز

رونق آماری، توسعه نا تمام صنایع معدنی

اقتصادی برای حفظ ظرفیت تولید در شرایط دشوار اقتصادی است. در واقع، هنوز بسیاری از مشکلات بنیادین مانند ناترازی انرژی، هزینه‌های بالای حمل و نقل، محدودیت‌های صادراتی و دشواری تأمین مالی پابرجاست. یکی از مهم‌ترین چالش‌های منطقه، وابستگی شدید صنایع به تأمین پایدار برق، گاز و آب است. صنایع فولادی و معدنی بدون دسترسی مستمر به انرژی، ناچار به کاهش ظرفیت یا توقف تولید می‌شوند. در سال‌های اخیر نیز قطعی برق و محدودیت گاز بارها برنامه تولید کارخانه‌ها را مختل کرده است. در چنین شرایطی، اعلام طرح‌های توسعه‌ای بدون تضمین زیرساخت‌های انرژی، بیش از آنکه نویدبخش باشد، نگرانی سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، فضای سرمایه‌گذاری همچنان با موانع اداری و مقررات متغیر روبه‌رو است. اگرچه مسئولان از جذب سرمایه و توسعه صنایع پایین‌دستی سخن می‌گویند، اما سرمایه‌گذار داخلی و خارجی پیش از هر چیز به ثبات قوانین، امنیت اقتصادی و پیش‌بینی‌پذیری بازار نیاز دارد. بدون اصلاح این مؤلفه‌ها، مزیت جغرافیایی منطقه به‌تنهایی نمی‌تواند سرمایه‌های جدید را جذب کند.

همزمان، بازار جهانی فولاد نیز شرایط آسانی ندارد. گزارش‌های بین‌المللی از کاهش نسبی تقاضا، رقابت فشرده میان تولیدکنندگان و فشار بر قیمت‌ها حکایت دارد.



محسن میرزایی جمرانی
روزنامه نگار

سرمایه‌گذاری خارجی؛ قربانی بی‌ثباتی سیاست‌ها

خودداری می‌کنند. نادیده گرفتن این واقعیت و نسبت دادن همه مشکلات به تبلیغات منفی، کمکی به حل مسئله نخواهد کرد. از سوی دیگر، نظام اداری پیچیده و فرساینده نیز به یکی از موانع اصلی تبدیل شده است. فرآیندهای طولانی اخذ مجوز، تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر و نبود یک پنجره واحد واقعی، زمان و هزینه اجرای پروژه‌ها را افزایش می‌دهد. در بسیاری از کشورها رقابت برای جذب سرمایه بر پایه سرعت، شفافیت و تسهیل خدمات شکل گرفته، اما در ایران همچنان سرمایه‌گذار باید میان انبوهی از مقررات متناقض و بروکراسی زمان‌بر حرکت کند. مناطق آزاد و ویژه اقتصادی نیز که قرار بود ویرترین جذب سرمایه خارجی باشند، هنوز نتوانسته‌اند به اهداف اولیه خود دست یابند. تغییر مکرر قوانین، محدود شدن مشوق‌ها، ضعف زیرساخت‌ها و دخالت‌های متعدد، مزیت رقابتی این مناطق را کاهش داده است. تا زمانی که این مناطق از ثبات قانونی و مدیریت برخوردار نباشند، انتظار جذب سرمایه‌های بزرگ چندان واقعی‌بینانه نیست. واقعیت آن است که سرمایه، بیش از هر چیز به امنیت اقتصادی اعتماد می‌کند. هیچ سرمایه‌گذاری تنها با شعار، همایش یا امضای تفاهم‌نامه وارد یک کشور نمی‌شود. آنچه تصمیم‌نهایی را رقم می‌زند، کیفیت حکمرانی اقتصادی، تضمین حقوق مالکیت، ثبات قوانین، شفافیت و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت است. اگر سیاست‌گذاران همچنان بر اعلام آمارهای خوش‌بینانه و وعده‌های تکراری تمرکز کنند، شکاف میان ظرفیت‌های اقتصادی ایران و میزان واقعی سرمایه‌گذاری خارجی عمیق‌تر خواهد شد. اصلاح این مسیر، بیش از هر چیز نیازمند پذیرش واقعیت‌ها و اجرای اصلاحات ساختاری است؛ اصلاحاتی که اعتماد سرمایه‌گذار را بازسازی کند، نه اینکه تنها در گزارش‌ها و سخنرانی‌ها از آن سخن گفته شود. در صورت تمایل، می‌توانم نسخه‌ای با لحن تندتر و در سبک سرمقاله‌های اقتصادی روزنامه‌های بین‌المللی نیز تهیه کنم.



حسام الدین عقیانی
عضو تحریریه تجارت جهانی

تجارت جهانی

سرمایه‌گذاری خارجی زمانی وارد یک اقتصاد می‌شود که سرمایه‌گذار بتواند آینده را پیش‌بینی کند؛ اما اقتصاد ایران همچنان بابتی مقرررات، ریسک‌های سیاسی و ضعف حکمرانی اقتصادی، مهم‌ترین فرصت‌های جذب سرمایه را از دست می‌دهد.

سرمایه‌گذاری خارجی در همه اقتصادهای در حال توسعه، نه صرفاً یک منبع تأمین مالی، بلکه ابزاری برای انتقال فناوری، ارتقای بهره‌وری، توسعه صادرات و ایجاد اشتغال پایدار است. با این حال، در ایران این مفهوم بیش از آنکه به یک برنامه عملیاتی تبدیل شود، به موضوعی برای سخنرانی‌ها، همایش‌ها و وعده‌های تکراری بدل شده است. آمارهای رسمی نیز نشان می‌دهد فاصله میان میزان سرمایه‌گذاری خارجی مصوب و سرمایه‌ای که واقعاً وارد کشور می‌شود، همچنان قابل توجه است؛ شکافی که ریشه آن را باید در ساختار اقتصاد و سیاست‌گذاری جست‌وجو کرد. نخستین مانع، نبود ثبات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. سرمایه‌گذار خارجی پیش از هر چیز به پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد. تغییر مداوم مقررات، بخشنامه‌های ناگهانی، محدودیت‌های ارزی و تصمیم‌های متناقض، فضایی ایجاد کرده که حتی سرمایه‌گذار داخلی نیز برای برنامه‌ریزی بلندمدت با تردید مواجه است. در چنین شرایطی، طبیعی است که سرمایه خارجی مسیر کشورهای با ثبات‌تر را انتخاب کند. عامل مهم دیگر، ریسک‌های سیاسی و بین‌المللی است. تحریم‌ها، محدودیت‌های بانکی و دشواری نقل و انتقال پول، هزینه فعالیت اقتصادی در ایران را افزایش داده است. حتی شرکت‌هایی که تمایل به حضور در بازار ایران دارند، به دلیل نگرانی از تبعات حقوقی و مالی، از ورود یا گسترش سرمایه‌گذاری



شب‌نم درخشان

معاون سردبیر

آلبرت بغزیان در گفت‌وگو با تجارت جهانی:

منطقه آزاد ارس، پیروز جنگ اخیر بود



تجارت جهان: در حالی که تحولات ژئوپلیتیکی ماه‌های اخیر، عملکرد مناطق آزاد ایران را بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر قرار داده است، این پرسش مطرح می‌شود که کدام منطقه آزاد توانسته در برابر شوک‌های ناشی از بحران اخیر، عملکرد باثبات‌تری داشته باشد و کدام مناطق بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. آلبرت بغزیان، اقتصاددان، در گفت‌وگو با تجارت جهانی معتقد است که ساختار جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق آزاد، بیش از هر عامل دیگری در تعیین میزان تاب‌آوری آن‌ها نقش داشته است. به گفته او، منطقه آزاد ارس در این دوره بهترین عملکرد نسبی را ثبت کرده، در حالی که کیش بیشترین آسیب را از محدودیت‌های حمل‌ونقل، گردشگری و شرایط امنیتی متحمل شده است.

اگر بخواهیم عملکرد مناطق آزاد را از زمان آغاز بحران اخیر ارزیابی کنیم، کدام منطقه عملکرد بهتری نسبت به سایر مناطق داشته است؟

ببینید، اگر ما حتی آمار را هم جمع‌آوری نمی‌کردیم و صرفاً بر اساس تحلیل شرایط صحبت می‌کردیم، باز هم می‌شد گفت که در این دوره، منطقه آزاد ارس بهترین عملکرد نسبی را داشته است. یا اگر سؤال این باشد که در صورت وقوع یک بحران نظامی یا جنگی، کدام منطقه آزاد کمترین آسیب را خواهد دید، باز هم پاسخ من ارس است.

دلیل آن را می‌توان با برهان خلف توضیح داد. اگر سایر مناطق را بررسی کنیم، می‌بینیم که چابهار به دلیل موقعیت ساحلی و حضور ناوهای نظامی، همواره در معرض تهدید بیشتری قرار دارد و تأسیسات آن می‌تواند هدف قرار گیرد.

در مورد قشم نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. این منطقه در مجاورت آبراه‌های بین‌المللی و تنگه هرمز قرار گرفته و هرگونه اختلال در این مسیر، سرمایه‌گذاری، پروژه‌های عمرانی، گردشگری و تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از میان مناطق آزاد، کدام منطقه بیشترین آسیب را متحمل شده است؟

به نظر من کیش بیشترین آسیب را دیده است. البته نمی‌گویم عملکردش ضعیف بوده، بلکه شرایط آن به گونه‌ای بوده که بیشترین

بحران با آن‌ها تنش مستقیمی نداشته است. از سوی دیگر، بخش عمده صنایع بزرگ کشور مانند پتروشیمی‌ها و فولاد در جنوب قرار دارند و طبیعی است که مناطق جنوبی بیشتر در معرض آسیب باشند.

به همین دلیل انتظار داشتیم و اکنون نیز آمارها نشان می‌دهد که ارس بهترین عملکرد را در ماه‌های اخیر داشته است.

بنابراین معتقدید موقعیت ژئوپلیتیکی، مهم‌ترین مزیت اقتصادی ارس بوده است؟

دقیقاً. همین‌طور است. ارس به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، نسبت به سایر مناطق امنیت نسبی بیشتری داشته و همین موضوع باعث شده فعالیت‌های اقتصادی آن کمتر دچار اختلال شود.

برای افزایش تاب‌آوری مناطق آزاد در بحران‌های مشابه، چه اقداماتی باید انجام شود؟

شاید اکنون زمان اجرای این برنامه‌ها نباشد، اما اگر از گذشته نگاه راهبردی‌تری به مناطق آزاد داشتیم و احتمال وقوع بحران را نیز در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ می‌کردیم، امروز شرایط متفاوت بود.

باید مسیرهای جایگزین برای تجارت کشور طراحی می‌شد تا وابستگی به مسیرهایی مانند تنگه هرمز، چابهار و قشم کاهش پیدا کند. همچنین لازم بود ظرفیت مناطق شمالی، به‌ویژه ارس، تقویت شود تا در شرایط بحران بتوانند بخشی از بار واردات و صادرات کشور را بر عهده بگیرند.

ممکن بود کالاها از مسیرهای جایگزین و از طریق کشورهایی که در بحران با ایران تنش نداشتند، وارد کشور شوند یا از مسیر اروپا، ترکیه و همسایگان شمالی به ایران برسند. همچنین بازارهای صادراتی و تأمین مواد اولیه نیز می‌توانستند از طریق این مسیرها جایگزین شوند.

آیا می‌توان گفت ارس از تمام پتانسیل خود برای حفظ این جایگاه استفاده کرده است؟

به نظر من هنوز برای تصمیم‌گیری قطعی زود است. باید دید روند تحولات سیاسی و توافق‌های آینده چگونه پیش خواهد رفت. اما دولت باید از همین حالا بر مسیرهای تجاری جدید نظارت کند تا زمینه سوءاستفاده و افزایش غیرمنطقی قیمت‌ها فراهم نشود. همچنین توسعه زیرساخت‌ها، بازسازی مسیرهای حمل‌ونقل، جاده‌ای و ریلی و تقویت شبکه‌های لجستیکی باید در اولویت قرار گیرد. درباره جزئیات فنی این موضوع نیز طبیعتاً باید از متخصصان حوزه حمل‌ونقل و زیرساخت نظرخواهی شود.

گزارش کوتاه

مناطق آزاد ایران از تانزانیا، کشور فقیر آفریقایی یاد بگیرند!

تحقق سرمایه‌گذاری ۱۴۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار

در سه ماهه نخست ۲۰۲۶

فناوری و اتصال این کشور به زنجیره‌های تأمین جهانی ایفا کنند. این رویکرد با برنامه گسترده‌تر دولت برای تبدیل تانزانیا به یک مرکز صنعتی در شرق آفریقا همخوانی دارد.

بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های جدید در حوزه‌هایی مانند تولید، کشاورزی صنعتی، فرآوری مواد معدنی، انرژی، لجستیک و صنایع صادراتی متمرکز شده است. دولت همچنین تلاش می‌کند با توسعه زیرساخت‌ها، بهبود فضای کسب‌وکار و ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری، جذابیت مناطق ویژه اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران افزایش دهد.

موقعیت این مناطق در افزایش صادرات، در شرایطی اتفاق می‌افتد که تانزانیا به دنبال تقویت جایگاه خود در تجارت منطقه‌ای و استفاده از فرصت‌های ایجادشده توسط توافق تجارت آزاد قاره آفریقا (AfCFTA) است. تحلیلگران اقتصادی معتقدند که ادامه این روند می‌تواند تانزانیا را به یکی از قطب‌های مهم تولید و صادرات در شرق آفریقا تبدیل کند؛ هرچند توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، دسترسی به انرژی پایدار، اصلاحات اداری و افزایش رقابت‌پذیری صنایع همچنان از عوامل تعیین‌کننده موفقیت بلندمدت این مناطق خواهند بود.

رشد اخیر مناطق ویژه اقتصادی تانزانیا نشان می‌دهد که این کشور در حال استفاده از مدل SEZ به عنوان ابزاری برای جذب سرمایه، توسعه صنعتی و حضور فعال‌تر در اقتصاد جهانی است.

تجارت جهان: گندم نیک اقبال: تانزانیا شاهد رشد چشمگیر در عملکرد مناطق ویژه اقتصادی (SEZs) خود بوده است؛ مناطقی که اکنون به یکی از محورهای اصلی برنامه صنعتی‌سازی و توسعه صادرات این کشور تبدیل شده‌اند. بر اساس آخرین آمار منتشرشده، مناطق ویژه اقتصادی تانزانیا در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۶ توانسته‌اند ۱۸۲ پروژه سرمایه‌گذاری به ارزش مجموع ۱.۱۴ میلیارد دلار را به ثبت برسانند. این سرمایه‌گذاری‌ها نشان‌دهنده افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به ظرفیت‌های صنعتی و تجاری تانزانیا است.

همزمان با افزایش سرمایه‌گذاری‌ها، عملکرد صادراتی شرکت‌های مستقر در این مناطق نیز رشد قابل توجهی داشته است. صادرات از مناطق ویژه اقتصادی تانزانیا در مقایسه با دوره‌های گذشته تقریباً چهار برابر شده و نشان می‌دهد سرمایه‌فراتر رفته و به موتورهای تولید صادرات محور تبدیل می‌شوند. دولت تانزانیا در سال‌های اخیر، مناطق ویژه اقتصادی را به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای تحول ساختار اقتصادی کشور معرفی کرده است. هدف این سیاست، حرکت از اقتصادی متکی بر صادرات مواد خام به سمت توسعه صنایع تولیدی، فرآوری محصولات، افزایش ارزش افزوده داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار است. مقامات تانزانیایی معتقدند که مناطق ویژه اقتصادی می‌توانند نقش مهمی در جذب شرکت‌های بین‌المللی، انتقال

اجلاس بزرگ مناطق ویژه اقتصادی آفریقا آغاز شد

کیگالی میزبان اجلاس مناطق ویژه اقتصادی آفریقا؛ رقابت قاره‌ای برای جذب سرمایه شدت می‌گیرد



پتانسیل افزایش تجارت درون‌قاره‌ای را ایجاد کرده و مناطق ویژه می‌توانند نقش مهمی در تحقق این پتانسیل ایفا کنند.

اگر مناطق ویژه بتوانند به هاب‌های تولید و صادرات برای بازارهای آفریقایی تبدیل شوند، منافع توسعه‌ای آن‌ها بسیار فراتر از جذب سرمایه خارجی خواهد بود. از منظر اجتماعی و توسعه، موفقیت مناطق ویژه می‌تواند به ایجاد اشتغال، انتقال فناوری و افزایش درآمد‌های صادراتی منجر شود. با این حال، خطر ایجاد جزایر اقتصادی جدا از اقتصاد ملی نیز وجود دارد. اجلاس کیگالی فرصتی برای بحث درباره چگونگی تقویت پیوندهای محلی و تضمین توزیع عادلانه‌تر منافع است.

در نهایت، آغاز به کار Africa Special Economic Zones Forum در کیگالی، نشان‌دهنده اهمیت فزاینده مناطق ویژه اقتصادی در دستور کار توسعه آفریقا است. این اجلاس در شرایطی برگزار می‌شود که کشورهای مختلف قاره با رویکردهای متنوعی در حال آزمایش این ابزار هستند. موفقیت نهایی نه در برگزاری نشست‌ها، بلکه در توانایی تبدیل گفت‌وگوها به سیاست‌های اجرایی و نتایج ملموس در زمینه سرمایه‌گذاری، اشتغال و صادرات نهفته است.

[۱/۸/۲۰۲۶؛ Z H Heydari AM] کیگالی بامیزبانی این رویداد، خود را در مرکز یکی از مهم‌ترین بحث‌های اقتصادی قاره قرار داده است.

کیگالی می‌تواند بستری برای معرفی پروژه‌ها و ایجاد ارتباطات جدید باشد.

تحلیلگران معتقدند موفقیت مناطق ویژه اقتصادی در آفریقا به چند عامل کلیدی بستگی دارد: کیفیت زیرساخت، ثبات مقررات، دسترسی به انرژی و لجستیک، توانایی جذب نیروی کار ماهر و ایجاد پیوندهای محلی با تأمین‌کنندگان داخلی. بدون این عوامل، معافیت‌های مالیاتی به تنهایی نمی‌توانند نتایج پایدار ایجاد کنند. تجربه کشورهایی که در این حوزه پیشرفت نسبی داشته‌اند نشان می‌دهد که ترکیب مشوق‌های هدفمند با اصلاحات گسترده‌تر محیط کسب‌وکار، نتایج بهتری به همراه دارد.

برای سرمایه‌گذاران خارجی، این اجلاس فرصتی برای ارزیابی مستقیم محیط سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف آفریقایی است. مقایسه مدل‌های مختلف مناطق ویژه، از مناطق نفت و گاز نیجریه تا مناطق تولیدی شرق آفریقا و مناطق صنعتی جنوب، می‌تواند به تصمیم‌گیری دقیق‌تر کمک کند. با این حال، ریسک‌های سیاسی، ارزی و عملیاتی همچنان از دغدغه‌های اصلی سرمایه‌گذاران باقی می‌ماند و شفافیت اطلاعات و ضمانت‌های حقوقی اهمیت ویژه‌ای دارد. از منظر قاره‌ای، اجلاس کیگالی بخشی از تلاش گسترده‌تر برای تقویت همکاری‌های درون‌آفریقایی در حوزه سیاست صنعتی است. منطقه تجارت آزاد قاره‌ای آفریقا (AfCFTA)

تجارت جهان: اجلاس Africa Special Economic Zones Forum امروز در کیگالی، پایتخت رواندا، آغاز به کار کرد. این رویداد یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های سال در حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی قاره آفریقا محسوب می‌شود و مدیران مناطق ویژه، نمایندگان دولت‌ها و سرمایه‌گذاران از کشورهای مختلف در آن حضور دارند. برگزاری این اجلاس در کیگالی، نشان‌دهنده تلاش رواندا برای تثبیت موقعیت خود به عنوان یکی از مراکز گفت‌وگوی سیاسی و سرمایه‌گذاری در آفریقا است.

مناطق ویژه اقتصادی در سال‌های اخیر به یکی از ابزارهای اصلی سیاست صنعتی بسیاری از کشورهای آفریقایی تبدیل شده‌اند. از تانزانیا که آمار جهش صادراتی مناطق EPZ و SEZ خود را منتشر کرده، تا آفریقای جنوبی با جذب پروژه بزرگ Sailun در Coega، نیجریه با تمرکز بر اقتصاد آبی و لیبی با معرفی منطقه آزاد مصرانه به سرمایه‌گذاران ایتالیایی، رقابت برای جذب سرمایه و تعریف مدل‌های موفق شدت گرفته است. اجلاس کیگالی فضایی برای تبادل تجربه، مقایسه عملکرد و بررسی چالش‌های مشترک این مناطق فراهم می‌کند.

از نظر تحلیلی، برگزاری این اجلاس در مقطع کنونی اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از کشورهای آفریقایی با چالش‌هایی مانند وابستگی به صادرات مواد خام، بیکاری جوانان و نیاز به تنوع‌بخشی اقتصادی مواجه هستند. مناطق ویژه اقتصادی به عنوان پاسخی به این چالش‌ها مطرح شده‌اند، اما تجربه نشان می‌دهد که موفقیت آن‌ها یکسان نبوده است. برخی مناطق توانسته‌اند سرمایه جذب کنند و صادرات را افزایش دهند، در حالی که برخی دیگر با مشکلات زیرساختی، بوروکراسی و ضعف پیوند با اقتصاد داخلی روبه‌رو بوده‌اند. اجلاس کیگالی فرصتی برای بررسی این تفاوت‌ها و استخراج درس‌های عملی است.

حضور مدیران مناطق ویژه، دولت‌ها و سرمایه‌گذاران در یک فضای مشترک، می‌تواند به هماهنگی بیشتر سیاست‌ها و کاهش رقابت مخرب میان مناطق کمک کند. در عین حال، این حضور نشان‌دهنده علاقه فزاینده سرمایه‌گذاران بین‌المللی به بررسی فرصت‌های آفریقا است. چین همچنان یکی از بازیگران اصلی سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه آفریقا است، اما کشورهای اروپایی، خاورمیانه و سایر اقتصادهای نوظهور نیز به دنبال سهمی از این بازار هستند. اجلاس

تجارت جهانی گزارش می دهد

ارس؛ پل تازه تجارت منطقه‌ای



تجارت جهان منطقه آزاد ارس با تکیه بر موقعیت جغرافیایی ممتاز، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و تمرکز بر تولید صادرات محور، در حال تبدیل شدن به یکی از محورهای مهم پیوند اقتصاد ایران با بازارهای منطقه‌ای است؛ مسیری که می‌تواند نقش این منطقه را در آینده تجارت کشور پررنگ‌تر کند.

منطقه آزاد ارس در سال‌های اخیر تلاش کرده است از یک منطقه صرفاً تجاری فاصله گرفته و به یک پهنه اقتصادی مبتنی بر تولید، صادرات، فناوری و جذب سرمایه تبدیل شود. تازه‌ترین تحولات این منطقه نشان می‌دهد سیاست‌گذاری‌ها در ارس بیش از گذشته بر افزایش ظرفیت‌های صنعتی، تسهیل فعالیت فعالان اقتصادی و ایجاد مزیت‌های جدید برای سرمایه‌گذاران متمرکز شده است.

ارس به دلیل قرار گرفتن در نقطه اتصال ایران با کشورهای قفقاز و نزدیکی به بازارهای اوراسیا، از جایگاهی ویژه در نقشه اقتصادی کشور برخوردار است. این منطقه در مجاورت مرزهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان قرار دارد و همین ویژگی، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه مبادلات تجاری و ایجاد مسیرهای جدید صادراتی فراهم کرده است. در شرایطی که بسیاری از اقتصادهای منطقه به دنبال افزایش تعاملات تجاری هستند، ارس می‌تواند به یکی از دروازه‌های اصلی ایران برای حضور فعال‌تر در بازارهای همسایه تبدیل شود.

یکی از مهم‌ترین محورهای برنامه‌های توسعه‌ای ارس، حمایت از تولیدکنندگان و تقویت واحدهای صنعتی مستقر در منطقه است. طی سال‌های گذشته، حضور صنایع مختلف از حوزه‌های غذایی و کشاورزی گرفته تا صنایع فلزی، شیمیایی، دارویی و دانش‌بنیان، ساختار اقتصادی متنوعی برای این منطقه ایجاد کرده است. این تنوع صنعتی باعث شده ارس تنها به یک حوزه خاص وابسته نباشد و بتواند در برابر تغییرات اقتصادی، ظرفیت انعطاف بیشتری داشته باشد.

در همین مسیر، افزایش تولید صادرات محور به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی مدیریت منطقه مطرح شده است. تجربه بسیاری از مناطق آزاد موفق جهان نشان می‌دهد که مزیت اصلی این مناطق زمانی نمایان می‌شود که فعالیت اقتصادی آنها به تولید و صادرات گره بخورد. ارس نیز با تمرکز بر این رویکرد تلاش دارد سهم بیشتری از تجارت خارجی کشور را به خود اختصاص دهد.

از سوی دیگر، توسعه زیرساخت‌ها یکی از عوامل کلیدی در موفقیت آینده ارس خواهد بود. دسترسی مناسب به شبکه‌های حمل‌ونقل، تقویت زیرساخت‌های لجستیکی، بهبود خدمات گمرکی و افزایش سرعت فرآیندهای تجاری از جمله موضوعاتی است که می‌تواند جذابیت این منطقه را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی افزایش دهد. در اقتصاد امروز، سرعت انتقال کالا و کاهش هزینه‌های مبادله، یکی از مهم‌ترین عوامل رقابت‌پذیری مناطق اقتصادی محسوب می‌شود.

مدیران اقتصادی ارس در ماه‌های اخیر بر ضرورت کاهش موانع پیش روی فعالان اقتصادی و ایجاد فضای مناسب‌تر برای سرمایه‌گذاری

تأکید کرده‌اند. فعالان بخش خصوصی معتقدند هر اندازه فرآیندهای اداری ساده‌تر و تصمیم‌گیری‌ها سریع‌تر شود، امکان ورود سرمایه‌های جدید و توسعه فعالیت‌های اقتصادی نیز افزایش خواهد یافت.

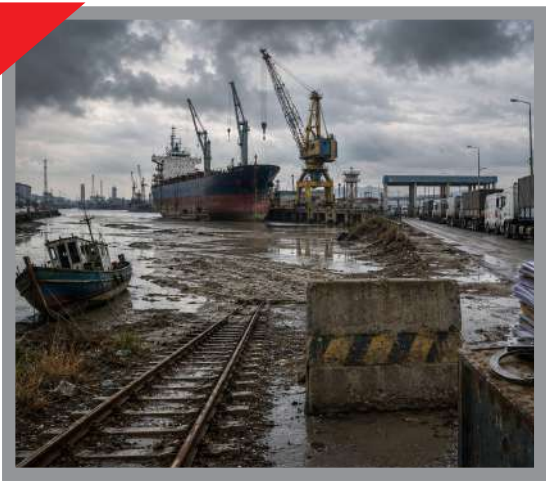
همچنین ظرفیت‌های کشاورزی ارس، یکی دیگر از نقاط قوت این منطقه محسوب می‌شود. برخورداری از اراضی مناسب، توسعه گلخانه‌ها و حرکت به سمت کشاورزی مدرن، فرصت‌های تازه‌ای برای افزایش تولید محصولات صادراتی ایجاد کرده است. استفاده از فناوری‌های نوین در کشاورزی و تکمیل زنجیره ارزش محصولات می‌تواند علاوه بر افزایش درآمد تولیدکنندگان، جایگاه ارس را در بازارهای منطقه‌ای ارتقا دهد.

نکته مهم دیگر، نقش گردشگری در برنامه‌های توسعه‌ای ارس است. طبیعت منحصر به فرد، مناطق تاریخی و ظرفیت‌های فرهنگی این منطقه، فرصت مناسبی برای پیوند اقتصاد گردشگری با سایر بخش‌های اقتصادی ایجاد کرده است. توسعه گردشگری می‌تواند به افزایش اشتغال، رونق کسب‌وکارهای محلی و تنوع‌بخشی به منابع درآمدی منطقه کمک کند.

در کنار ظرفیت‌های صنعتی، تجاری و گردشگری، آنچه آینده ارس را بیش از گذشته تحت تأثیر قرار می‌دهد، نقش این منطقه در کریدورهای بین‌المللی و مسیرهای جدید تجارت است. تغییرات اقتصاد جهانی

گزارش کوتاه

آستارا پشت صف تصمیم‌های فرسایشی



نشود؛ موضوعی که هزینه تجارت و زمان انتقال کالا را افزایش داده و بخشی از مزیت رقابتی این مسیر را کاهش داده است. در سطح محلی نیز گزارش‌های مردمی از مشکلات زیرساختی، از وضعیت برخی معابر گرفته تا گالایه از خدمات شهری و قطعی‌های برق، نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی بدون ارتقای کیفیت زندگی شهروندان پایدار نخواهد بود. شهری که قرار است ویتربین تجارت بین‌المللی باشد، باید در زیرساخت‌های شهری نیز متناسب با جایگاه خود رشد کند.

آستارا امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند مدیریت یکپارچه مرزی، تسریع پروژه‌های زیرساختی، شفافیت در نظام گمرکی و برنامه‌ریزی بلندمدت برای تبدیل شدن به هاب لجستیکی شمال کشور است. در غیر این صورت، رقابت فشرده مسیرهای ترانزیتی منطقه می‌تواند بخشی از مزیت تاریخی این بندر را به رقبای خارجی واگذار کند.

فرصت‌های آستارا همچنان پابرجاست، اما فرصت‌ها هم تاریخ مصرف دارند. اگر تصمیم‌گیری‌ها همچنان با تأخیر، بروکراسی و مدیریت واکنشی همراه باشد، این بندر راهبردی بیش از آنکه موتور محرک تجارت خارجی باشد، به نمادی از ظرفیت‌های استفاده‌نشده اقتصاد ایران تبدیل خواهد شد.

گزارش کوتاه

مازندران؛ بهشت سرمایه‌گريزان



از سوی دیگر، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک، مانعی جدی برای تبدیل مازندران به یک استان صادرات محور است. در شرایطی که دسترسی به بازارهای منطقه‌ای یک مزیت مهم اقتصادی محسوب می‌شود، نبود شبکه کامل ریلی، توسعه ناکافی بنادر و مشکلات حمل‌ونقل ترکیبی، هزینه تجارت را افزایش داده است.

مسئولان استان در سال‌های مختلف از حمایت از سرمایه‌گذاری، ایجاد پنجره واحد اقتصادی و رفع موانع تولید سخن گفته‌اند، اما فعالان اقتصادی معتقدند آنچه اهمیت دارد، نه اعلام برنامه‌های جدید بلکه اجرای واقعی وعده‌هاست. سرمایه‌گذار بیش از هر چیز به ثبات قوانین، سرعت تصمیم‌گیری و امنیت اقتصادی نیاز دارد. مازندران امروز بیش از کمبود فرصت، با مشکل استفاده نکردن از فرصت‌ها روبه‌روست. استانی که می‌تواند مقصد جذابی برای سرمایه داخلی و خارجی باشد، در صورت تداوم موانع اداری و ضعف برنامه‌ریزی، همچنان شاهد خروج سرمایه و از دست رفتن فرصت‌های توسعه خواهد بود.

تبدیل مازندران به قطب اقتصادی شمال کشور نیازمند تغییر نگاه مدیریتی است؛ عبور از اقتصاد مبتنی بر ظرفیت‌های خام و حرکت به سمت ایجاد زنجیره ارزش، تسهیل سرمایه‌گذاری و فراهم کردن محیطی امن برای فعالان اقتصادی. در غیر این صورت، عنوان «بهشت سرمایه‌گريزان» همچنان توصیف دقیقی از وضعیت اقتصادی استان باقی خواهد ماند.

نشان داده است کشورهایی موفق‌تر هستند که بتوانند موقعیت جغرافیایی خود را به فرصت اقتصادی تبدیل کنند. ایران با قرار گرفتن در میان مسیرهای مهم ارتباطی شرق و غرب و شمال و جنوب، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای ایفای نقش در زنجیره تجارت منطقه‌ای دارد و ارس می‌تواند یکی از حلقه‌های اثرگذار این مسیر باشد.

اتصال ارس به بازارهای کشورهای همسایه، مزیتی است که بسیاری از مناطق اقتصادی کشور از آن برخوردار نیستند. نزدیکی به قفقاز و دسترسی به بازارهای اوراسیا، فرصت مناسبی برای توسعه صادرات کالاهای ایرانی فراهم کرده است. در صورت تکمیل زیرساخت‌های لازم و ایجاد هماهنگی بیشتر میان دستگاه‌های مرتبط، این منطقه می‌تواند به پایگاه صادراتی مهمی برای تولیدکنندگان ایرانی تبدیل شود.

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از ظرفیت شرکت‌های بین‌المللی است. مناطق آزاد زمانی می‌توانند به اهداف اصلی خود دست پیدا کنند که علاوه بر حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی، توانایی ایجاد جذابیت برای سرمایه‌های خارجی را نیز داشته باشند. ارس با توجه به موقعیت مرزی و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای، از ظرفیت مناسبی برای ایفای این نقش برخوردار است.

تجارت جهانی بررسی می‌کند

انزلی؛ پیشران تازه تجارت شمال



ایجاد شود.

در سال‌های اخیر، توسعه فعالیت‌های صنعتی و افزایش حضور واحدهای تولیدی در منطقه آزاد انزلی، نشان‌دهنده تغییر نگاه از اقتصاد صرفاً تجاری به اقتصاد تولیدمحور است. این تغییر می‌تواند به ایجاد اشتغال پایدار، افزایش صادرات غیرنفتی و تقویت زنجیره ارزش داخلی کمک کند.

خزر؛ فرصت بزرگ پیش‌روی انزلی

دریای خزر برای ایران تنها یک مرز آبی نیست، بلکه یک فرصت اقتصادی گسترده محسوب می‌شود. کشورهای شمالی دریای خزر، بازارهایی هستند که می‌توانند مقصد مهمی برای کالاهای ایرانی باشند و منطقه آزاد انزلی به دلیل نزدیکی جغرافیایی، موقعیت مناسبی برای توسعه این روابط دارد.

افزایش همکاری‌های تجاری با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، توسعه مبادلات با روسیه و تقویت ارتباط با کشورهای آسیای میانه، از جمله فرصت‌هایی است که می‌تواند جایگاه انزلی را در تجارت منطقه‌ای ارتقا دهد. در این میان، نقش زیرساخت‌های بندری و لجستیکی تعیین‌کننده خواهد بود؛ زیرا تجارت بدون مسیرهای

تولیدکنندگان ایرانی در بازارهای منطقه‌ای را بالا ببرد.

در اقتصاد جهانی امروز، بندر موفق تنها محلی برای تخلیه و بارگیری کالا نیست؛ بلکه باید یک مرکز خدمات لجستیکی، پردازش کالا، انبارداری و اتصال زنجیره‌های تأمین باشد. منطقه آزاد انزلی نیز با حرکت به سمت این مدل، تلاش دارد نقش خود را از یک بندر منطقه‌ای به یک مرکز تجارت بین‌المللی ارتقا دهد.

ظرفیت‌های تازه برای سرمایه‌گذاران

رشد زیرساخت‌های منطقه آزاد انزلی، زمینه‌رایی برای حضور سرمایه‌گذاران جدید فراهم کرده است. وجود زمین‌های صنعتی، نزدیکی به بازارهای مصرف، دسترسی به مسیرهای حمل‌ونقل و مشوق‌های مناطق آزاد، مجموعه‌ای از مزیت‌ها را ایجاد کرده که می‌تواند سرمایه‌های داخلی و خارجی را به سمت این منطقه هدایت کند.

یکی از ویژگی‌های مهم انزلی، تنوع ظرفیت‌های اقتصادی آن است. این منطقه تنها به تجارت و بندرداری محدود نیست؛ بلکه در حوزه‌های صنعتی، گردشگری، خدمات، فناوری و صنایع مرتبط با دریا نیز فرصت‌های قابل توجهی دارد. چنین تنوعی باعث می‌شود اقتصاد منطقه در برابر تغییرات بازار مقاوم‌تر باشد و منابع درآمدی مختلفی

تجارت جهان

منطقه آزاد انزلی با تکیه بر موقعیت راهبردی در ساحل خزر، توسعه زیرساخت‌های بندری و ریلی و افزایش ظرفیت‌های تجاری، در حال تبدیل شدن به یکی از حلقه‌های مهم اتصال اقتصاد ایران به بازارهای منطقه‌ای است؛ مسیری که می‌تواند این منطقه را از یک ظرفیت جغرافیایی به یک موتور واقعی رشد اقتصادی تبدیل کند. منطقه آزاد انزلی در سال‌های اخیر بیش از گذشته در کانون توجه فعالان اقتصادی قرار گرفته است؛ منطقه‌ای که به واسطه قرار گرفتن در کنار دریای خزر و دسترسی هم‌زمان به شبکه‌های جاده‌ای، ریلی و دریایی، ظرفیت آن را دارد تا به یکی از مهم‌ترین مراکز تجارت و ترانزیت کشور تبدیل شود. تحولات اخیر در این منطقه نشان می‌دهد که انزلی در حال عبور از مرحله وعده‌ها و برنامه‌هاست و وارد دوره‌ای شده که آثار توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی آن قابل مشاهده است.

مهم‌ترین نشانه این تحول را می‌توان در عملکرد بندر کاسپین مشاهده کرد؛ بندری که طی سال‌های اخیر به عنوان یکی از پروژه‌های کلیدی منطقه آزاد انزلی شناخته شده و اکنون نقش پررنگ‌تری در جابه‌جایی کالا، توسعه صادرات و اتصال ایران به بازارهای شمالی ایفا می‌کند. افزایش فعالیت‌های بندری و رشد ظرفیت‌های عملیاتی، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دریایی در حال تبدیل شدن به ارزش اقتصادی است.

بندر کاسپین به دلیل موقعیت ویژه خود می‌تواند نقش مهمی در فعال‌سازی کریدور بین‌المللی شمال-جنوب داشته باشد؛ کریدوری که هدف آن کوتاه‌تر کردن مسیر انتقال کالا میان کشورهای آسیای میانه، روسیه، قفقاز، ایران و بازارهای جنوبی است. قرار گرفتن انزلی در این مسیر، یک مزیت ژئوپلیتیکی ایجاد کرده که بسیاری از مناطق دیگر کشور از آن برخوردار نیستند.

اتصال ریلی؛ حلقه تکمیل‌کننده جهش لجستیکی

یکی از مهم‌ترین اتفاقات توسعه‌ای در منطقه آزاد انزلی، تمرکز بر تکمیل زنجیره حمل‌ونقل ترکیبی است. سال‌ها یکی از چالش‌های اصلی بنادر شمالی کشور، نبود اتصال کامل میان شبکه دریایی و ریلی بود؛ موضوعی که باعث می‌شد بخشی از ظرفیت‌های تجاری بنادر به دلیل هزینه‌های حمل‌ونقل و محدودیت‌های لجستیکی به بهره‌برداری کامل نرسد.

با توسعه زیرساخت‌های ریلی و تقویت ارتباط بندر کاسپین با شبکه حمل‌ونقل کشور، چشم‌انداز تازه‌ای برای افزایش جابه‌جایی کالا شکل گرفته است. اتصال ریلی نه تنها سرعت انتقال کالا را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند هزینه‌های تجارت را کاهش داده و قدرت رقابت

گزارش کوتاه

ظرفیت‌های معطل در قشم

تجارت جهان

منطقه آزاد قشم همچنان

از مهم‌ترین ظرفیت‌های اقتصادی ایران به شمار می‌رود، اما بررسی تحولات اخیر نشان می‌دهد فاصله میان ظرفیت‌های بالقوه و دستاوردهای واقعی این منطقه همچنان قابل توجه است و رفع گره‌های زیرساختی و مدیریتی، شرط اصلی تبدیل قشم به موتور محرک اقتصاد دریامحور کشور خواهد بود.

قشم به عنوان بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس، سال‌هاست در اسناد بالادستی به عنوان یکی از مهم‌ترین پیشران‌های تجارت، لجستیک، گردشگری و اقتصاد دریامحور معرفی می‌شود. با این حال، مرور آخرین اخبار این منطقه نشان می‌دهد که بخش مهمی از انرژی مدیران همچنان صرف مدیریت مسائل روزمره و رفع چالش‌های جاری می‌شود؛ موضوعی که فرصت تمرکز بر پروژه‌های توسعه‌ای را کاهش داده است. در روزهای اخیر، استمرار ورود کالاز طریق اسکله بهمن به عنوان یکی از خبرهای مهم اقتصادی قشم مطرح شد. هرچند تداوم فعالیت این مسیر برای تأمین نیاز بازار اهمیت دارد، اما چنین اخباری بیش از آنکه از جهش اقتصادی حکایت داشته باشد، نشان‌دهنده تلاش برای حفظ شرایط عادی در زنجیره تأمین است. منطقه آزادی با جایگاه قشم انتظار می‌رود علاوه بر مدیریت روزمره، پروژه‌های بزرگ صادراتی، سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صنایع پیشرفته را نیز در دستور کار داشته باشد.

از سوی دیگر، سازمان منطقه آزاد قشم اخیراً به عنوان منطقه برتر در حوزه اقتصادی و سرمایه‌گذاری معرفی شده است؛ موفقیتی که می‌تواند نشانه‌ای از بهبود برخی شاخص‌ها باشد. با این حال، کارشناسان معتقدند ارزیابی عملکرد مناطق آزاد نباید صرفاً بر پایه شاخص‌های اداری یا آماری انجام شود، بلکه میزان تحقق سرمایه‌گذاری،

افزایش صادرات غیرنفتی، اشتغال پایدار و رضایت فعالان اقتصادی باید معیار اصلی قضاوت باشد. یکی از چالش‌های قدیمی قشم، پیچیدگی مقررات و تغییرات مکرر دستورالعمل‌ها در حوزه خودرو، کمرک و تجارت است. طی ماه‌های گذشته نیز بارها اطلاعیه‌هایی درباره نحوه تردد خودروها، شماره‌گذاری و ضوابط جدید منتشر شده است. اگرچه ساماندهی این حوزه ضروری است، اما تعدد بخشنامه‌ها می‌تواند فضای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را با ابهام مواجه کند و از جذابیت محیط کسب‌وکار بکاهد.

موضوع دیگر، امنیت اقتصادی و مقابله با قاچاق است. کشف خطوط انتقال سوخت قاچاق در سواحل قشم نشان می‌دهد همچنان بخشی از ظرفیت‌های منطقه درگیر مقابله با اقتصاد غیررسمی است. استمرار این پدیده علاوه بر ایجاد خسارت اقتصادی، می‌تواند تصویر سرمایه‌گذاری در منطقه را نیز تحت تأثیر قرار دهد و ضرورت تقویت نظارت‌های هوشمند و توسعه زیرساخت‌های کنترلی را بیش از گذشته آشکار سازد.

همچنین تصمیم سازمان منطقه آزاد برای تثبیت عوارض پروانه کسب و جلوگیری از افزایش هزینه‌های اصناف، اقدامی حمایتی در شرایط اقتصادی کنونی محسوب می‌شود؛ اما فعالان اقتصادی معتقدند حمایت‌های کوتاه‌مدت زمانی اثربخش خواهد بود که با اصلاحات ساختاری، تسهیل صدور مجوزها، کاهش بروکراسی و ثبات مقررات همراه شود. در مجموع، قشم همچنان از ظرفیت تبدیل شدن به قطب تجارت دریایی، صنایع دانش‌بنیان، گردشگری و صادرات برخوردار است؛ اما تحقق این هدف نیازمند عبور از مدیریت روزمره و حرکت به سمت برنامه‌ریزی بلندمدت است.

گزارش کوتاه



گندم نیک‌اقبال
دبیر تحریریه

تجارت جهان گندم نیک‌اقبال: در اقدامی جسورانه و تحول‌آفرین که می‌تواند سیمای اقتصادی ایران را دگرگون کند، رئیس‌جمهور دکتر مسعود پزشکیان فرصتی تاریخی را در اختیار دارد: تبدیل دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به معاونت مستقیم ریاست جمهوری. این تغییر نه یک جابه‌جایی اداری ساده، بلکه ضربه‌ای محکم به دیوان‌سالاری، سیگنالی قدرتمند برای سرمایه‌گذاری و بهترین تصمیم برای رونق مناطق آزاد، ایجاد اشتغال و تقویت جایگاه ایران در منطقه است. حسین فروزان، مرد مورد اعتماد پزشکیان با سابقه درخشان مدیریتی و اقتصادی، گزینه‌ای ایده‌آل برای رهبری این تحول به شمار می‌رود.

مناطق آزاد ایران سال‌هاست که با محدودیت‌های ساختاری دست و پنجه نرم می‌کنند. دبیرخانه که روزگاری با هماهنگی سطح بالا زیر نظر مستقیم نهاد ریاست جمهوری فعالیت می‌کرد، در سال‌های اخیر به زیرمجموعه وزارت اقتصاد منتقل شد. این تنزل جایگاه، تصمیم‌گیری‌ها را کند کرد، تعارضات بین دستگاهی را افزایش داد و فرصت‌های طلایی را از دست داد. حالاً زمان آن رسیده که با ارتقای سطح معاونت ریاست جمهوری، قدرت واقعی و فرابخشی خود را باز یابد و به موتور محرکه اقتصاد کشور تبدیل شود.

چرا این تصمیم بهترین انتخاب برای مناطق آزاد است؟

اول، قدرت تصمیم‌گیری و هماهنگی فوق‌العاده. معاونت ریاست جمهوری می‌تواند به سرعت موانع را برطرف کند، تعارضات با کمرک، مالیات، زیرساخت و سایر دستگاه‌ها را حل کند و اجرای کامل قوانین و مشوق‌های سرمایه‌گذاری را تضمین نماید. این ساختار، مناطق را از حالت اداری استانی خارج کرده و به هاب‌های واقعی تولید، صادرات و ترانزیت تبدیل می‌کند.

دوم، جذب سرمایه و شتاب رشد اقتصادی. دولت‌پزشکیان تاکنون ده‌ها پروژه بزرگ را در مناطق ارس، قشم، چابهار،

تجارت جهانی بررسی می‌کند

ضرورت ایجاد معاونت ریاست جمهوری در امور مناطق آزاد



و بر جذب سرمایه، خروج از اقتصاد دولتی و حرکت به سوی اقتصاد مردمی تأکید دارد. اعتماد پزشکیان به فروزان، تضمین‌کننده اجرای سریع و حرفه‌ای این ارتقای ساختاری خواهد بود. او نه فقط مدیر، بلکه معمار تغییر به سمت حکمرانی هوشمند، چابک و نتیجه‌محور است. برخی ممکن است بگویند نگره داشتن در وزارتخانه کافی است، اما تجربه نشان داده تنزل جایگاه، مناطق را تضعیف کرده است. ارتقا به معاونت ریاست جمهوری دقیقاً همان اصلاح ساختاری هوشمندانه‌ای است که برنامه هفتم توسعه و نیازهای واقعی کشور طلب می‌کند.

این تصمیم، بیش از یک تغییر سازمانی، شرط‌بندی بر آینده ایران است. با رهبری فروزان در ساختار معاونت ریاست جمهوری، مناطق آزاد به کانون تولید، صادرات، اشتغال و رفاه تبدیل می‌شوند. مردم مناطق مرزی و ساحلی prosperity واقعی را لمس خواهند کرد، ایران در رقابت منطقه‌ای سربلند بیرون می‌آید و اقتصاد مقاوم و پویا شکل می‌گیرد.

دکتر پزشکیان با این رویکرد عمل‌گرایانه، نشان می‌دهد که به دنبال نتایج ملموس برای مردم است. فرصت تاریخی اکنون فرا رسیده. مناطق آزاد ایران با این تحول، نه تنها زنده می‌شوند، بلکه به نماد پیشرفت و قدرت اقتصادی کشور بدل خواهند شد. آینده روشن است؛ کافی است قدم محکم برداریم.

اروند و دیگران به بهره‌برداری رسانده و هزاران شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کرده است. تشکیل معاونت جدید، سیگنال قوی اعتماد دولت در سطح را به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ارسال می‌کند. مناطق می‌توانند به سمت تخصص‌گرایی، اقتصاد خصوصی محور، پارک‌های فناوری و کریدورهای ترانزیتی حرکت کنند و الگویی موفق مانند جبل‌علی را در ایران پیاده‌سازی نمایند.

سرمایه‌گذاری‌های مشترک «برد-برد» رونق خواهد گرفت و وابستگی به نفت کاهش می‌یابد.

سوم، امنیت ملی و تاب‌آوری اقتصادی. مناطق آزاد به ویژه ارس به عنوان «دروازه پشتی» در تأمین کالاهای اساسی، دارو و اتصال به همسایگان نقش حیاتی دارند. نظارت مستقیم رئیس‌جمهور از طریق معاونت تخصصی، این دارایی‌های استراتژیک را با اهداف کلان کشور مانند اقتصاد دریامحور، کریدورهای شمال-جنوب و تحول دیجیتال هم‌راستامی‌کند.

فروزان؛ مدیر شایسته و تحول‌گرا

حسین فروزان با سوابقی درخشان از جمله مدیریت سازمان منطقه آزاد ماکو، مشاور اقتصادی ایمن‌درو، هلدینگ‌های بزرگ صنعتی و پروژه‌های توسعه سرزمینی، دقیقاً همان مدیر مورد نیاز این مقطع است. او به عنوان دبیر جدید، مأموریت «بازآفرینی و تحول مناطق آزاد» را بر عهده گرفته